

گفت و گوی «وطن امروز» با حجت الاسلام والمسلمین محسن قنبریان درباره بازنمایی رسانه‌ای توفان الاقصی

حماسه عقلمانی و اخلاقی



انقلابی را می‌طلبید، این است که مظلوم، ظالم جلوه داده شود. این یک خط است.

■ جناب قنبریان! اگر شما بخواهید عملیات توفان الاقصی را از حیث مبنای فکری شرح بدهید، این مبنا را چگونه توضیح می‌دهید؟

ببینید در آیه قرآن می‌فرماید: «الْحَرَامُ بِالْحَرَامِ وَالْبَشْرَ بِالْبَشْرِ وَالْحَرَامُ بِالْحَرَامِ قِصَاصٌ فَمَنْ اغْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاقْتَدُوا بِهِ بِمِثْلِ مَا اغْتَدَى عَلَيْكُمْ وَأَقْتُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» ماه‌های حرام را در مقابل ماه‌های حرام قرار دهید که اگر حرمت آن را نگاه نداشته و با شما قتل کنند شما نیز قصاص کنید. هر که به ستم بر شما دست دراز کند او را از پای در آورید به قدر ستمی که به شما رسانده است و از خدا پروا کنید و بدانید که خدا با پرهیزکاران است. در اینجا یک قاعده‌ای را قرآن مطرح می‌کند به نام قاعده مقابلند؛ به مثل. این قاعده‌ای عقلی است. یعنی شما هر جای عالم به هر عقلی بگویید این قاعده را تایید می‌کند. قرآن می‌گوید اگر در حق شما ستم شد، شما می‌توانید به همان میزان ستم، مقابله به مثل کنید. آیا می‌شود به خانه کسی حمله کنید، زن و بچه او را بکشند و هیچ دفاعی از خود نکنند؟ این انظلام است، پذیرفتن ظلم است، پذیرفتن ظلم حرام است. باید در برابر ستمگر ایستاد و عقل اجازه می‌دهد به میزان همان ستم، ستم را پاسخ بدهیم. اگر دشمن یک نیروی ما را کشت، ما هم می‌توانیم یک نیروی او را بکشیم، تا اینجا قاعده عقلی است اما از اینجا به بعد قرآن یک قاعده اخلاقی به آن قاعده عقلی اضافه می‌کند و اینکه در مقابله به مثل تقوا را رعایت کنید و تعدی نکنید، اگر کشتن یک نیرو از دشمن قاعده عقلی است اما قاعده اخلاقی ایجاب می‌کند که دیگر او را مٹله نکنیم، زجرکش نکنیم یا مثلا قتلش نکنیم. این خانواده و تعدی نکنیم، اینها قواعد اخلاقی قرآن است. قواعدی که استراتژی کلی حساس مبنی بر رعایت آنها بود و تاحد زیادی به آن عمل کرد و این را نباید نادیده بگیریم.

از داخل اسلام، داعش را می‌سازند و زمام روایت را به دست می‌گیرند و آن را عین اسلام معرفی می‌کنند، از خارج دنیای اسلام، خودشان چیزی مانند داعش دارند که هیچ بروز و ظهور رسانه‌ای ندارد.

حالا در این بین، معتقدان به اسلام ناب سیاسی که پایگاه آن ایران است و در کشورهای دیگر نیز جوانه و شعله زده، باید هوشیارانه مراقب باشند بین جریان اصیل اسلام سیاسی و بدل‌های آن دچار خلط و اشتباه نشوند. فریب روایت رسانه‌ای دشمن را نخورند، جریانی مثل حماس را با داعش شبیه‌سازی نکنند. تمام هم و غم دشمن این است که از حماس هم چهره‌ای شبیه داعش بسازد. باید این استراتژی دشمن را شناخت و فریب آن را نخورد. چه نسبتی بین حماس و داعش وجود دارد؟ داعش به سرزمین‌های دیگر حمله و آنجا را تصرف می‌کرد، حماس در حال دفاع از سرزمین خودش است. داعش هیچ اصل اخلاقی و انسانی را در عملیات‌های خود رعایت نمی‌کرد، در حالی که نیروهای قسام بر دیوارهای اراضی اشغالی نداشتند قسام کودک نمی‌کشد، با اسرای اسرائیلی به بهترین شکل برخورد کردند، شما بگویید که فیلم‌هایی هست که خلاف آن را نشان می‌دهد، این فیلم‌ها یا جعلیاتی است که دشمن ساخته یا تخلفی است که یک نیرویی انجام داده اما سیاست حماس بر بی‌اخلاقی نبوده است، تا همین الان هم برخوردی که با اسرا داشته برخوردی اخلاقی بوده است.

چیزی که واقعا دردناک است آن است که غربی‌ها کاملا روایت وحشی‌گری‌های خود را می‌پوشانند و سعی می‌کنند از طرف مقابل چهره‌ای ظالم بسازند. نکته‌ای که در صحبت‌های اخیر رهبر معظم انقلاب بود این بود که اسرائیلی‌ها می‌خواهند یک چهره مظلوم از خودشان نشان بدهند، البته این نشانی است اما آن چیزی که شدنی است و بیم آن می‌رود که محقق شود و هوشیاری نیروهای

اما مسیحیانی که گرایش‌های تند آخرازماتی داشتند با ارسال انجیل تاکید کردند این دولت حتما باید در فلسطین تشکیل شود تا مقدمه ظهور مسیح بشود.

این جریان مسیحی سیاسی، یکی از خشن‌ترین جریانات دینی - سیاسی است، اگر مستندهای مربوط به

این فرقه را نگاه کنید متوجه می‌شوید که چطور وحشیانه‌ترین جنایت‌ها را متوریزه می‌کنند. مستندی را مدت‌ها قبل بی‌بی‌سی از اینها ساخت به نام «بچه‌ها در آتش». این مستند نشان می‌دهد چگونه کودکان را در کمپ‌های این فرقه برای جنگ آماده می‌کنند. جالب است که نهادهای حقوق بشری به بسیج دانشجویی و بسیج دانش‌آموزی ما خدشه وارد می‌کنند و آن را خلاف حقوق کودک می‌شمارند اما نسبت به جنایت‌هایی که این فرقه مسیحی علیه کودکان و نوجوانان می‌کند چشم‌پوشی می‌کنند. جالب است بدانید که ۲۵ درصد هواداران حزب جمهوری‌خواه در آمریکا از اعضای این فرقه هستند.

خب! می‌بینید خارج از دنیای اسلام هیچ روایت رسانه‌ای از آن وجود ندارد. شما اگر در اینترنت زنجیرزنی و عزاداری را سرچ کنید با صحنه‌های آزاردهنده‌ای از عزاداری و قه‌زنی شیعیان مواجه می‌شوید، در حالی که عزاداری مسیحیان برای مسیح ده‌ها برابر صحنه‌های منجرکننده‌تر دارد، به طوری که انسان نمی‌تواند تحمل کند اما شما باید مدت‌ها در فضای اینترنت بگردی تا بتوانی یک فیلم کوتاه از عزاداری آنان پیدا کنی. می‌بینید که آنها زمام روایت را به دست گرفته‌اند،

«نگاه همه جهانیان به فلسطین دوخته شده است. زخم بزرگی بر جان انسانیت. اما دردآور تر از همه خبرها وقتی است که طرف غربی - عبری تلاش می‌کند جای مظلوم و ظالم را عوض کند. اگرچه چهره ظالم سیاه‌تر از این حرف‌هاست که با این کارها سفید شود اما نباید به دشمن میدان داد تا از مظلوم چهره‌ای ظالم بسازد.» این شکله سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قنبریان، استاد حوزه و دانشگاه است. حجت‌الاسلام والمسلمین قنبریان در گفت‌وگو با «وطن امروز» با تشریح استراتژی غرب در برابر نسخه اصلی اسلام ناب سیاسی، تلاش برای ایجاد تشابه بین حماس و جریانات تکفیری را تقلائی غرب برای ارائه نسخه تقلبی اسلام سیاسی به جهان و پوشاندن جنایت‌های خود در حق مردم فلسطین عنوان کرد.

همه ابعاد فکری و عملی کاملا عصر حجری فکر و عمل می‌کند اما به عرصه تکنولوژی که می‌رسد به پیشرفته‌ترین شکل خودش را به نمایش می‌گذارد. هر قتل که می‌کند، هر انسانی را که می‌سوزاند، به بهترین شکل یک تولید رسانه‌ای برای آن فراهم می‌کند و در منظر دنیا می‌گذارد. این چگونه ممکن است؟ هیچ جوابی برای آن نیست جز اینکه سازندگان غربی داعش دقیقا همین را می‌خواستند تا بدیل اسلام سیاسی ناب، جنس تقلبی اسلام سیاسی را به دنیا طوری نمایش دهند که مایه انزجار جهانی شود. وقتی اسم امام خمینی و انقلاب اسلامی ایران و جبهه مقاومت نباید نسبت به آنها هم چنین نگاهی پیدا کنند. اگر شما مقالاتی را که در مجلات معتبر علمی دنیا درباره داعش چاپ شده است با دقت مطالعه کنید می‌بینید بنا بر تحقیقات خودشان بدنه اصلی داعش را از ازل و ابواب و تفاله‌های جوامع غربی تشکیل می‌دادند. در واقع داعش را براساس انسان‌های شور و مغربی که محصول جوامع غربی بودند تشکیل دادند. بعد به اسم اسلام به دنیا عرضه کردند. خیلی جالب است در نوشته‌های داخلی داعش دیدم که از آنان پرسش شده چرا به مواضع آمریکا و اسرائیل حمله نمی‌کنید؟ چرا همه حملات شما متوجه مسلمانان است؟ آنها در جواب می‌گویند ما ابتدا باید دارالاسلام تشکیل بدهیم، بعد از تشکیل دارالاسلام دارالکفر حمله کنیم، مشکل این است که الان مسلمانان کافر شده‌اند. بعد از مثلا یکی از نشانه‌های کفر را مساله انتخابات و دموکراسی می‌دانند، چون معتقدند در اسلام دموکراسی وجود ندارد و این فکر است. پس مسلمانانی که حرف از دموکراسی می‌زنند کافر هستند. ببینید اینها نوک پیکان حمله خود را به سمت مسلمانان نشانه گرفتند و به سمت مواضع آمریکا و اسرائیل پیش رفتند و این دقیقا مبتنی بر طراحی غربی‌ها بود.

غربی‌ها در داخل جهان اسلام، یک بدیل تقلبی برای اسلام سیاسی ساختند به نام داعش. در دنیای مسیحیت نیز یک جریان مسیحیت سیاسی شکل گرفت که بعدها متاثر از انقلاب اسلامی فعالیت‌شان خیلی پررنگ‌تر شد. مسیحیت انجیلی یا ووانجیلیسم (به انگلیسی: - Evangelicalism) شاخه‌ای از پروتستانتیسم

است که بر سر تعدادی از آموزه‌های مشترک بین همه فرقه‌های پروتستان توافقی را ایجاد کرد؛ آموزه‌هایی که اکثر آنها سیاسی است و پیروان این فرقه، با اینکه مسیحی‌اند اما صهیونیست‌های متعصبی هستند. آنها معتقدند تشکیل اسرائیل در تپه‌های صهیون از مقدمات ظهور مسیح است به همین خاطر به عنوان یک باور مذهبی مهم از اسرائیل حمایت می‌کنند. حتی طبق برخی نقل‌های تاریخی برای تشکیل یک دولت یهودی، پیشنهادها دیگری هم غیر از کشور فلسطین مطرح بود

غربی‌ها در داخل جهان اسلام، یک بدیل تقلبی برای اسلام سیاسی ساختند به نام داعش. در دنیای مسیحیت نیز یک جریان مسیحیت سیاسی شکل گرفت که بعدها متاثر از انقلاب اسلامی فعالیت‌شان خیلی پررنگ‌تر شد. مسیحیت انجیلی یا ووانجیلیسم (به انگلیسی: - Evangelicalism) شاخه‌ای از پروتستانتیسم

است که بر سر تعدادی از آموزه‌های مشترک بین همه فرقه‌های پروتستان توافقی را ایجاد کرد؛ آموزه‌هایی که اکثر آنها سیاسی است و پیروان این فرقه، با اینکه مسیحی‌اند اما صهیونیست‌های متعصبی هستند. آنها معتقدند تشکیل اسرائیل در تپه‌های صهیون از مقدمات ظهور مسیح است به همین خاطر به عنوان یک باور مذهبی مهم از اسرائیل حمایت می‌کنند. حتی طبق برخی نقل‌های تاریخی برای تشکیل یک دولت یهودی، پیشنهادها دیگری هم غیر از کشور فلسطین مطرح بود

■ آقای قنبریان! مهم‌ترین اتفاقی که در روزهای گذشته در عرصه بین‌الملل رخ داده است، عملیات توفان الاقصی و متعاقب آن حمله اسرائیل به غزه است. این اتفاق را می‌توان از زوایای مختلفی مورد کنکاش و بررسی قرار داد. اگر شما بخواهید این اتفاق بزرگ را از زاویه دید یک کارشناس دینی مورد مذاقه قرار دهید، کدام قسمت آن را شایسته بحث و بررسی بیشتر می‌دانید؟

ببینید! در روزهای گذشته حرف‌های زیادی درباره ابعاد اطلاعاتی و نظامی حمله حماس به اسرائیل گفته و نوشته شده اما مهم‌ترین جنبه‌ای که لازم می‌دانم درباره آن صحبت کنم، جنبه اخلاقی حمله حماس به اسرائیل است.

بشدت معتقدم که مبنای حماس در حمله به اسرائیل یک مبنای اخلاقی بود که متناسفانه به علت اینکه روایت حمله حماس، دست جبهه مقاومت نبود و رسانه‌های غربی و صهیونیستی روایت حمله را به دست گرفتند، کاملا مساله را وارونه جلوه دادند. من بر همه نیروهای انقلابی و معتقد به جبهه مقاومت لازم و فرض می‌دانم وضعی منفعل نسبت به روایت غربی این ماجرا نداشته باشند و به میدان بیایند و این پرچم را به دست بگیرند که اتفاقا حماس بر مبنای اخلاق و شرع نه‌تاجم به اسرائیل را آغاز کرد.

■ استدلال شما برای اینکه حمله حماس بر مبنای قواعد اخلاقی بود چیست؟

اجازه دهید ابتدا به این سوال جواب ندهم و به‌عنوان مقدمه نکاتی را عرض کنم. نکات مقدماتی که گفته شد بازمی‌گرددیم به جواب سوال شما. شما، یکی از مسائل بسیار مهمی که باید در نظر داشته باشیم این است که دشمنان ما مدام به دنبال بدل سازی برای اسلام سیاسی هستند. اسلام ناب سیاسی به رهبری امام خمینی یک اتفاق سرنوشت‌ساز در تاریخ فکری جهان بود. این اسلام، در عین حال که سیاسی است بشدت اخلاقی است. اسلام سیاسی یعنی اسلامی که به مسائل اجتماعی حساس است، به اینکه چه کسی حکومت می‌کند حساس است، به اینکه چه کسی سرنوشت جهان را در دست می‌گیرد حساس است، یک اسلام منزوی نیست که فقط نجات فردی را مدنظر قرار بدهد، این اسلام سیاسی در عین حال که سیاسی است، اخلاقی و عرفانی هم هست. نمونه کامل آن هم در شخصیت امام خمینی (ره) متجلی است که در عین حال که یک شخصیت کاملا سیاسی است در عین حال یک شخصیت کاملا اخلاقی و عرفانی است. در رتبه‌های بعدی شما به وضوح در شاگردان مکتب امام خمینی این درهم‌آمیختگی اخلاق و سیاست را می‌بینید. خبا این مدل، مدل خطرناکی برای حکمرانی مستکبرین است. اسلام امام خمینی منافع همه جهان‌خواران را به خطر می‌اندازد؛ به همین خاطر آنان برای جلوگیری از پیشرفت این تفکر، شروع کردند به بدل‌سازی.

داعش و گروه‌های تروریستی بدل‌سازی نسبت به جریان اصیل اسلام سیاسی بود. دشمنان قصد داشتند به دنیا متخاره کنند اسلام سیاسی که خمینی می‌گوید یعنی همین! و با این تبلیغات جلوی توسعه این فکر را بگیرند و از طرفی مستمسک‌هایی ایجاد کنند برای کلید زدن پروژه اسلام‌هراسی در دنیا. شما می‌بینید که داعش در

ما مسؤولیم



انجا جمع شویم، اتباع مذهب یهود آنجا جمع شوند. اول هم جایی را که فکر نمی‌کنند، فلسطین است؛ جاهای دیگر را فکر می‌کنند.

بعد، جنگ بین‌الملل اول پیش می‌آید. (البته من خلاصه‌اش را عرض می‌کنم. می‌توانید کتاب‌هایی را که در این زمینه نوشته شده است بخوانید). متفقین با عثمانی‌ها می‌جنگند. (من نمی‌خواهم از عثمانی‌ها دفاع کنم ولی هر چه بود، حکومت واحدی بود؛ اگر ظالم هم بود، بالاخره واحد بود). اعراب ساده‌لوح که از حکومت عثمانی به ستوه آمده بودند، تحریک متفقان را پذیرفتند. از داخل، علیه حکومت عثمانی جنگیدند به وعده اینکه به خود آنها در مقابل عثمانی‌ها استقلال بدهند. انگلیس‌ها به اینها قول قطعی دادند که ما به شما استقلال می‌دهیم به شرط اینکه به نفع ما با عثمانی‌ها بجنگید. این بیچاره‌ها جنگیدند. در خلای که این بدبخت‌های نادان ناگاه داشتند با دولت تا حدودی اسلامی خودشان می‌جنگیدند، انگلستان قول و قرار خودش را با حزب صهیونیسم - که تازه تشکیل شده بود - محکم کرد که فلسطین را به شما می‌دهیم در قلب کشورهای اسلامی. جامعه ملل به وجود می‌آید (عدالت را ببینید) و تصویب می‌کند که در دنیا ملت‌هایی هستند (بویژه ملت‌هایی که از عثمانی جدا شده‌اند) که چون رشد ندارند، ما باید برای‌شان سرپرست معین کنیم تا اینها را اداره کنند. در واقع می‌خواستند ارضیه عثمانی‌ها را تقسیم کنند. قسمتی از آنها را دادند به فرانسه، قسمتی را دادند به انگلستان. از جمله جاهایی که انگلستان گرفت فلسطین بود. گفت من قیم و سرپرست شما هستم؛ رسماً شد کفیل. بعد به صهیونیست‌ها وعده داد (وعده معروف بالفور) که من اینجا را به شما می‌سپارم. «صهیونیست‌ها» یعنی یهودیانی که ده‌ها قرن در گوشه‌های دیگر دنیا زندگی می‌کردند و از

نژادهای دیگر بودند. من خودم فکر می‌کردم یهودیان موجود، همه از نسل اسرائیلند. حالا می‌بینم تاریخ تشکیک می‌کند، می‌گوید این حرف دروغ است. بسیاری از یهودی‌ها اصلا از نسل اسرائیل نیستند؛ جامع مشترک‌شان فقط مذهب است و بس. حتی نژادشان هم خالص نمانده است. یهودیانی که در اطراف و اکناف دنیا زندگی می‌کردند، فقط به دلیل اینکه فرنگی‌ها به اینها زجر داده‌اند و اینها دنبال نقطه‌ای می‌گردند که آنجا جمع شوند و به دلیل اینکه مردم خیانت‌پیشه‌ای هستند و به دلیل اینکه کتاب

هستند که حق دارند در آنجا زندگی کنند. یک عده روشنفکر در میان اعراب بودند؛ قیام کردند، انقلاب کردند. اینها را کشتند، اعدام کردند، به دار کشیدند. مرتب یهودی‌ها را فرستادند. همین که عده زیاد شد، اسلحه زیادی هم در میان‌شان پخش کردند. بعد اینها افتادند به جان مسلمانان بومی؛ کشتند و زدند و بعد هم آواره کردند. پشت سر یکدیگر، از کشورهای اروپایی مهاجرت می‌شد. آمدند و آمدند. این یهودیانی که شما امروز اسم‌شان را می‌شنوید: موشه دایان، زلی اشکول، گلدا مایر، زهرمار! آخر ببینید اینها از کجای دنیا آمده‌اند؟! مدعی هستند این سرزمین، سرزمین ما است. امروز حدود ۳ میلیون مسلمان، آواره از خانه و زندگی‌شان هستند. هدف مگر تنها همین است که یک دولت کوچک در آنجا تشکیل شود؟ خیلی اشتباه کرده‌اید، خیلی همه اشتباه می‌کنیم. او می‌داند که یک دولت کوچک، بالاخره نمی‌تواند آنجا زندگی کند؛ یک اسرائیل بزرگ که دامنه‌اش از این طرف شاید تا ایران خودمان هم کشیده شود. به قول عبدالرحمن فرامرزی این اسرائیلی که من می‌شناسم، فردا ادعای شیراز را هم می‌کند، می‌گوید شاعرهای خود شما همیشه در اشعارشان اسم شیراز را گذاشته‌اند ملک سلیمان! هرچه بگویی آقا! آن تشبیه است، می‌گوید سند از این بهتر می‌خواهید؟! مگر ادعای خبیر را که نزدیک مدینه است، ندارند؟ مگر روزولت به پادشاه وقت عربستان سعودی پیشنهاد داد که شما بیایید این شهر را به اینها بفروشید؟ مگر اینها ادعای عراق و سرزمین‌های مقدس شما را ندارند؟ والله و بالله ما در برابر این قضیه مسؤولیم. به خدا قسم مسؤولیت داریم. به خدا قسم ما غافل هستیم. والله قضیه‌ای که دل پیغمبر اکرم را امروز خون کرده است، این قضیه است.